

نظریات سید جمال الدین افغانی

در عرصهٔ تعلیم تربیه

این مقاله در سال 1990 (در شماره قوس و جدی سال 1370 ش) مجلهٔ عرفان ارگان نشراتی وزارت تعلیم و تربیه وقت به نشر رسیده . ولی در هیچ یک از سایت های انترنتی وجود ندارد و نسبت دوران جنگهای همه سوز نشرات آن زمان نیز دیگر در دسترس نیست . لهذا در اختیار سایت وزین آریایی قرار داده شد تا هم وطنان عزیز مخصوصاً متعلمین و معلمین امروز نیز در مورد این بُعد شخصیت سید جمال الدین افغانی اندک معلوماتی داشته باشند.

سید جمال الدین افغانی نابغه قرن نوزدهم افغانستان و جهان اسلام شخصیتی بود کثیر البعد و غنی از همه اوصاف عالی علمی و سجایای برگزیده انسانی ، این فرزانه مرد در پهلوی فیلسوف و سیاست مدار بودنش پیداگوگ بزرگ مشرق زمین نیز محسوب میگردد .

ادعای روشن سخن ما به مربی ، مدرس و معلم بودن سید خلاصه نشده ، بلکه نظریات سودمند و فعالیتهای با ارزش و خارق العاده این راد مرد در عرصه تعلیم تربیت گوی آفتابی کلام ماست . در نخست طرح پیشنهادی و نظریات عالمانه سید در عهد امیر شیرعلی خان ، نقش با اهمیت و سترگی در ایجاد ، گسترش و شگوفایی فرهنگ مقدس تعلیم تربیت عصری و رسمی در افغانستان داشت .

سید جمال الدین مانند روسو و کومنسکی معتقد است که انسان در وقت پیدایش ، صفحه ایست بدون نقش و این فامیل ، نزدیکان و اجتماع است که او را تربیت میکنند . او خود چنین مینویسد : « ... انسان چون تولید میشود و از کمون به بروز و از غیب به شهود جلوه میکند و قدم به عرصهٔ وجود مینهد و از همه حیوانات پست تر و عاجز تر و نادان تر میباشد . هر جانوریکه زائیده میشود به یارائی فطرت و الهام الهی تمام زیان و منافع خود را میداند و دشمن جان خود را می شناسد و در ماکل و مشرب و مبیبت محتاج معلم نیست و در دفع و جلب و تقارب و تنافر صیانت وجود استاد نمی خواهد و اما انسان چون بدین عالم پا می نهد لوحیست ساده و کتابیست نا نوشته و زمینی است بائر... و از اکل و شرب روزانه عاجز است و او را یارای ایستادن و حرکت کردن نمی باشد نه صفات حسنه را در او اثری و نه خصلتهای نا ستوده دامن عصمتش را آلوده نموده است ... و پدر و مادر و خویش و اقارب آنچه در خود دارند از اخلاق و سجایا و عادات و ادب و افکار در آن مولود جدید بمرور زمان ودیعه میگذارند و بصورتیکه آنها را مقبول افتد او را مصور ساخته آنچه ایشان را پسند آید در او نقش میکنند ... و اگر پدر و مادر و خویشاوندان متعلق به اخلاق فاضله و متصف به آداب پسندیده و دارای افکار عالیه بوده باشند البته آن مولود جدید را بواسطه اکتساب این امور که بواعث حقیقیه نیکبخت سعادت مطلقه دست خواهد داد . والا در مهوات شقا و بدبختی و محضر های آتھاب و رنجها و وادیهای بلایا و مصائب در

افتاده و به جهت رذائل و اداب ناستوده و افکار خسیسه ای که از آنها در یافت نموده است از سعادت بالسکیه محروم میگردد. *»

تیوری معاصر علم پیداگوزی که بر بنیاد تجارب و اندوخته های ناب بزگردان علم و معرفت استوار است این دو طرح سید ، یعنی اکتسابی بودن تعلیم تربیت و هم چنان نقش فامیل و محیط اجتماعی را در تربیت و تشکل شخصیت اطفال تائید نموده و مفهوم محیط اجتماعی را شرایط مادی زندگی اجتماعی ، سیستم مناسبات تولیدی و اجتماعی و گرو های اجتماعی که در تربیه و تشکل شخصیت نقش دارند ، چون : مؤسسات آموزشی - تربیتی (کودستان ها ، مکاتب ، مؤسسات تحصیلات عالی ...) ، انجمنهای کلتوری ، وسایل اطلاعات همگانی ، سازمانهای اجتماعی و ادارات دولتی میداند .

سید انسان صرف بوسیله کسب تربیت انسان دانسته ، میگوید (انسان انسان است به تربیت ...) ** در واقعیت تربیت و ادب است که جوهر انسان و اصلیت و برتری انسان را بر عالم کائنات تثبیت می نماید . تحقیقات و تجارب علمی علمای اعصار مختلف تاریخ در عرصه های جامعه شناسی ، زبانشناسی و پیداگوزی نشان داده است که هر گاه طفل نوزاد را از محیط انسانی و تربیت دور نگهداریم نه لسان و زبانی را میداند و نه قادر است راست راه رفتن را ، چه رسد به نورمهای اخلاقی و پیشآمد انسانی و هیچ فرقی از حیوان نخواهد داشت . سید جمالالدین افغانی تربیت را تعریف نموده مینویسد : (تربیت عبارت است از مجادله و مقاومت با طبیعت و علاج آن ، چه آن تربیت در نبات بوده باشد و چه در حیوانات و چه در انسان . اگر نیک بوده باشد طبیعت را از نقص به کمال و از خست به شرف میرساند و اگر نیک نبوده باشد البته حالت اصلیه طبیعت را تغییر داده موجب تنزل و انحطاط آن خواهد شد ...) ***

نظریات سود مند و بنیادی سید در تکمیل و اتمام مفهوم کلی تربیت نقش بارزی داشته و از همین جاست که علم معاصر تعلیم تربیت به مقوله تربیت چنین تعریف می دهد : تربیت عبارت از پروسه انتقال تجارب اجتماعی ، تاریخی نسل های گذشته به نسل های جوان بمنظور آماده ساختن آنها به زندگی و کار لازم برای تکامل بعدی جامعه میباشد . هرگاه مفاهیم اداشده تعریف فوق را بصورت اخص در قالب کوچک با ابعاد بزرگ بررسی نمیم کلمات سید «... مقاومت با طبیعت و علاج آن» مفهوم کلی این نیاز را هم جانبه میرساند . مقصود از هردو تعریف موضعگیری مشخص ، مجادله و مقاومت علیه کاستی ها و نارسایهای تربیتی زندگی اجتماعی و تربیت نسل جوان برای فراگیری علم دانش و انجام کار مثمر ، زندگی مرفح ، سعادت اجتماعی و تکامل بعدی جامعه بشری میباشد . این همه حلقات کوچک اند که با پیوستن شان به همدیگر زنجیر مستحکم تشکیل شخصیت انسان را فراهم می آورد ، در کلمات سید زمانی که میگوید : « حسن تربیت در این عوالم ثلثه (جماد و حیوان و نبات) باعث همه کمال و همه خوبیهاست و سوء تربیت سبب همه نقصها و همه زشتی هاست » . ****

* « تعلیم و تربیت » مقاله ، گزیده آثار سید جمال الدین افغانی ، دکتور سید مخدوم رهین ، ص (29-30) کابل 1355

** « تفسیر مفسر » مقاله ، گزیده آثار سید ، ص 77

*** « تفسیر مفسر »

**** « تفسیر مفسر » مقاله ، گزیده آثار سید ، ص 78

این مقصود بهتر هویدا می‌گردد. و یا اینکه سید می‌گوید: «اگر قومی آن اقوام به تربیت حسنه تربیت شود جمیع طبقات و اصناف آن... رو به ترقی می‌آورد». * از آنجاییکه در جوامع بشری انسان جزئیست از کل و هر جامعه بصورت مستقیم یا غیر مستقیم ارتباط با جوامع همجوار و در مجموع جامعه انسانی دارد، از اینرو دست آورد های علمی یکی بر دیگر خواهی نخواستی تأثیرات خویش را به جا گذاشته و متأثر از غنای یک دیگر می‌گردند.

سید جمال الدین از رشد سریع علوم و ایجابات زمان هوشدار داده، می‌فرماید: «علم را چنان صعود و عروجی حاصل شده است که پس مانده گان عالم انسانی نظارهٔ رصدی خیال هم ادنی او را دیدن نتوانند و تصنیفات آنقدر بسیار گردیده است که نادانان حساب و شمار آنها را هم ندانند». ** واقعاً پس مانی از کاروان علم و معرفت در علم پیداکوژی معاصر نیز مورد بحث بوده و تعلیم تربیه مطابق به ایجابات زمان از پرنسیپهای اساسی این علم است. در حقیقت امر، هر زمان روح خاص و مشخصات مختص به خود را در همه عرصه های علوم متداوله در بطن محدوده زمانی خویش نگهدارند.

سید، انانیکه علم می‌آموزند بالاتر، قویتر و بهتر از دیگران میدانند، چقدر سخن پرارج و گرانبهاست اینکه «توانائی در دانایی است». دانش است که انسان را واقف به عظمت، اهمیت و جلال انسان و انسانیت می‌سازد از طریق این الههٔ بی‌بدیل بشر فراتر از تصور بشریت اعتلا و ارتقا می‌نماید. نا بجا نیست که سید می‌فرماید: «علم یک انسان را چون قوه ده نفر و صد نفر و هزار نفر و ده هزار نفر میکند». *** این فرهیخته مرد متبحر مؤثریت انسان را برای خودش، وطن و جامعه که در آن زندگی میکند از روی علمیت او میسند. او رشد، توسعه و تکامل تعلیم و تربیه را برای حکومتها حتمی دانسته این وظیفه انسانی را بدوش قدرتهای حاکم جامعه سپرده مینویسد: «منافع انسانها از برای خود و برای حکومتها بقدر علم آنها است. پسر حکومتی را لازم است از برای منفعت خود در تأسیس علوم و نشر معارف بکوشد». ****

سید اکثراً در محور و محتوای نام، موجودیت و رسالت انسان به تفکر و تعمق پرداخته، او علما را وارثین انبیا دانسته و علم از نظر سید آنانند که فیض و سخاوت شان به دیگران برسد و پند گوینان جامعه باشند و مردم را به راه راست و فضیلت رهبری و هدایت کنند، نه انانیکه از صبح تا شام و از اول شب تا صبح صادق به مطالعه بپردازد و غرق در خود و افکار خود باشند، در گوشهٔ عزلت و انزوا نشسته دور از جامعه همچون عنکبوت در تار های خوش بتند. او عالم را منحصیب طیب حاذق و دلسوز جامعه می‌شناخت و در آن زمانه هائیکه همای سعادت عصر تکنالوژی بر فراز جهان بشری بال می‌گسترانید او عمدتاً بر وظیفه و وجیبه علما اتکای قوی مینمود و توقعات بزرگ از این قشر سمت دهنده جامعه داشت.

سید جمال الدین افغانی تعصب و کینهتوزی را در عرصه علوم بشری و تصوف و پذیرش تمدن عصر نه تنها دوست نمیداشت بلکه منفور از این پدیدههای منفی بود. او همواره تأکید میکرد، تا پای پیاپی کاروان سریع السیر زمان بشتابیم.

* «تفسیر مفسر» مقاله، گزیده آثار سید، ص 78

** «تعلیم و تربیت» مقاله، گزیده آثار سید، ص 34

*** «تعلیم و تعلم» لکچر، گزیده آثار سید، ص 64

**** «تعلیم و تعلم»

سید جمال الدین افغانی عقب مانی وطن را از جنبش جهانی علم و تخنیک ، عقب مانی علما و دانشمندان وطن تلقی مینمود .

به قول سید : « عالم حقیقه نور است اگر عالم باشد پس اگر عالم عالم است میبایست که به همه عالم نور میپاشد و اگر به همه عالم نور او نرسد اقلاً باید که قطر خود را ویا شهر خود را ویا قریه خود را و یا خانه خود را منور سازد .» *

از نظر سید مقصود از تحصیل علم در دین مبین اسلام تمام علوم است نه صرف علوم دینی تحصیل علمی که بتواند انسان را در راه زندگی توانا تر و نیرومند تر ساخته و برای زنده گی آماده سازد . خلاف نظر عدّه از علما عصر خویش که علوم را به دو دسته : علم مسلمانان و علم فرنگ ، تقسیم نموده بودند میگوید ، که علم آن چیز شریفیست که به هیچ طایفه نسبت داده نمیشود و به قول امام غزالی مینویسد: « آن شخصی که میگوید منافی ادله ... و براهین فلسفی قواعد طبیعه است آن شخص دوست جاهل اسلام است و ضرر این دوست جاهل بر اسلام زیاده است از ضرر زندقها و دشمنان اسلام .» **

سید از عمق اسلام بهره بزرگی داشت ، زندگی پهناور و وسعت نظر او در همه عرصه ها دلیل روشن گفتار ماست . این پیداگوگ و روانشناس بی بدیل تجدید تربیت را امر بس دشوار دانسته مینویسد : « چه دشوار است تربیت نادان ، قادر به درک سخن نیست ، نصیحت را نمی فهمد و نور برهان قادر پاره کردن ظلمت پرده های خرد او نمی باشد و کلمات هر قدر لطیف باشد بر لب چون سنگ آن نفوذ کردن نتواند . ازاله آن صفات دنیه و سجایای خسیسه و اخلاق خشن و تبدیل کردن آنها به ماکرم اخلاق و فضایل بر گزیده سجایا چه بسیار دشوار است و کار ستمگرانه آن را تبدیل به اعمال ستوده کردن چه قدر دشوار است . راه تبدیل صفات عقل است و چون راه بسته باشد چه چاره باید گزید .» *** علم معاصر پیداگوژی نیز تجدید تربیت را نسبت به تربیت پروسه بغرنج تشکل شخصیت دانسته و دور کردن عقاید و نظریات و تربیت نادرست را از وجود انسان بسیار دشوار میدانند و علمای پیداگوژی معاصر مصروف تحقیق در این عرصه میباشند و نظر یا تیوری مشخص علمی در مورد وجود ندارد . ولی سید میگوید :

چند باشی مبتلای خویشتن آفت جان و بلای خویشتن
جهد کن زین بندگی آزاد شو تا که خود باشی خدای خویشتن

آنچه گفته شد اثبات آنست که سید جمال الدین افغانی واقعاً در پهلوی آنکه در علوم دیگر زمانش دست بلندی داشت ، پیداگوگ چیره دست و استاد توانا نیز بود . نظریات استادانه و جامع این مرد بزرگ نه تنها در محوطه جغرافیایسر زمین ما و یا صرفاً مشرق زمین باقی ماند ، بلکه در ادبیات و فرهنگ جهانی جای گسترده را احراز نموده مورد مباحثات و افتخار قرن گردیده است . نام این فرزانه مرد شرق در کنار نامهای جاویدان برگردان علم و معرفت و تعلیم و تربیه در صفحات تاریخ علم و فرهنگ گیتی به خط زرین انوشین خواهد درخشید .

* « تعلیم و تعلم » لکچر ، گزیده آثار سید ، ص 68

** «تعلیم و تعلم»

*** « در جهالت و نادانی » مقاله ، گزیده آثار سید ، ص 72

